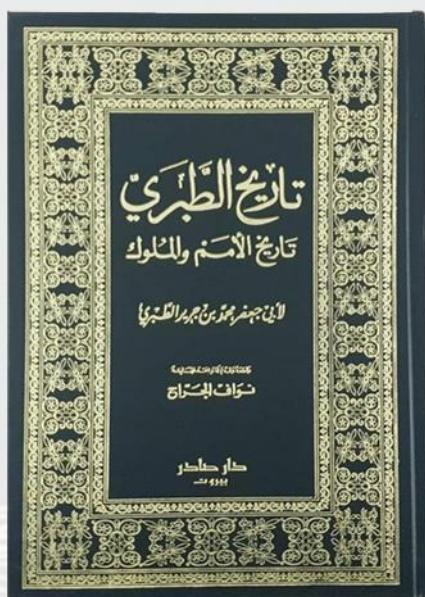


روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری

دکتر محمد امحزون | ترجمه: عادل حیدری

الآئین جعفر محمد بن جریر الطبری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری

امام طبری رحمه الله زندگی علمی خویش را با گام نهادن در مسیر کسب دانش حدیث آغاز نمود. به همین دلیل طبیعی بود که در سبک تاریخ‌نگاری، روش محدثین را در پیش گیرد، بدین صورت که روایت‌های تاریخی را جمع آوری نموده و آنها را با سند به گوینده‌اش نسبت دهد: مانند شیخی که نزد او دانش فرا گرفته بود یا انسان معتمدی که در رویدادی شرکت داشته و یا نسبت بدان از آگاهی لازم برخوردار بوده است. و یا اینکه آنرا از کتابی معتبر با سند به شیوه شنیدن و یا خواندن آن در نزد استاد همراه با اجازه نقل آن بیان

می‌کند. بدین ترتیب در بیشتر روایت‌های خود در توجه به نسبت دادن قول به گوینده به روش محدثان پایبند است.

خودش در این رابطه می‌گوید: «کسی که به کتاب ما نظر می‌افکند باید بداند که تکیه من در آنچه در این کتاب ذکر نموده‌ام بر اخباری است که آنها را بیاد دارم و یا گفته‌هایی که آنها را به گوینده‌شان نسبت داده‌ام بدون اینکه نگاهی به دلائل عقلانی و استنباط‌های فکری داشته باشم، مگر در مواضعی بسیار نادر و اندک»^۱ و اینگونه امام طبری - رحمه الله - توجه خود به نسبت دادن سخن به گوینده را بیان نموده و اظهار می‌کند که به هیچ وجه به دلائل عقلی و استنباط‌های فکری اجازه دخالت در تفسیر روایات تاریخی و نگارش آن نخواهد داد. و این خود بیانگر حرص امام طبری - رحمه الله - در بیان هر آنچه شنیده از جهت‌های مختلف است. و اینکه ایشان پس از نقل روایات، تحقیق و پژوهش و بررسی و قبول و رد را آنرا به پژوهشگران و اهل تحقیق واگذار کرده است.

(۱) تاریخ طبری (۱/۷-۸)

روشن‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

از آنجایی که تاریخ صدر اسلام - به ویژه دوران فتنه - به دلیل روایت‌های فراوانی که نقل بیشتر آنها بر اساس فضای احساسی حاکم در آن دوره و یا گرایش‌های سیاسی و تعدد اندیشه‌ها بوده، و همچنین درآمیزی روایات با عواملی چون فراموشی و گرایش‌ها و دگراندیشی‌ها، از حساسیت ویژه‌ای به نسبت ادوار دیگر تاریخ برخوردار است، به سختی می‌توان حکم به صحت روایت‌ها نمود، زیرا این امر مستلزم حل معادلاتی بسیار پیچیده است.

به همین دلیل امام طبری - رحمه الله - دیدگاه‌های متفاوت پیرامون راویان و مصدر روایت را با پایبندی به شیوه تاریخ‌نگاری خویش یعنی جمع اصول و تدوین آن در قالب روایت ذکر می‌کند و مسئولیت روایت را به ناقلان خبر واگذار می‌کند. ایشان این مسئله را در کتاب خود روشن می‌کند آنجا که می‌گوید: « اخبار و آثاری که در این کتاب وجود دارد را ما از گذشتگان شنیده‌ایم و چه بسا خواننده کتاب آنها را منکر، زشت و قبیح بداند زیرا که نه آنرا صحیح دانسته و نه معنایی در حقیقت در آن مشاهده می‌کند، اما باید

دانست که این اشکال از سوی ما نیست بلکه از طرف کسانی است که این خبرها را به ما رسانده‌اند. و ما آنچه را شنیده‌ایم، همانگونه نقل کرده‌ایم.»^۲

یکی از روش‌هایی که امام طبری در تاریخ‌نگاری به آن اهمیت داده، پرهیز از دخالت دادن سلیقه شخصی در کتابش است. بنابراین ایشان دیدگاه‌های متفاوت را بدون هیچگونه تعصبی بیان می‌کند و چنانچه خودش نظری داشته باشد آن را در انتخاب روایات و یا به عبارت دیگر گزینش برخی از روایت‌ها و ترک روایت‌های دیگر اعمال می‌کند، بدون اینکه در قضایایی که بیان می‌کند حکم قاطعی صادر کرده باشد و حتی روایتی را بر روایت دیگر ترجیح نمی‌دهد، مگر در مواردی بسیار اندک و نادر.

پایبندی امام طبری به این روش او را واداشت که روایت‌های گوناگونی پیرامون حادثه و خبری که به او رسیده را نقل کند. و به‌هنگام تقابل روایت‌های تاریخی چنین می‌گوید: «پیرامون این مسئله اختلاف وجود دارد»، سپس روایت‌های مختلف را از روایانش ذکر می‌کند، مثلاً می‌گوید: «بعضی

(۲) تاریخ طبری (۸/۱)

چنین گفته‌اند و بعضی چنان گفته‌اند... هشام کلبی چنین می‌گوید: «یا مثلاً می‌گوید: «از فلانی نقل شده که چنین سخنی گفته است، و یا فلانی این سخن را گفت، و دیگران چنین گفتند».^۳

اما نقد و مقابله روایت‌ها را ما در پایان ذکر رویدادهای سال مشاهده می‌کنیم، همانند وفات‌ها، جنگ‌ها، تعیین استانداران، امرای مناطق، و امرای حج و غیره؛ مثلاً چنین می‌گوید: «در فلان سال و فلان روز ابوالعباس به سبب بیماری آبله درگذشت، اما هشام کلبی می‌گوید: در فلان روز وفات یافته است (و روزی دیگر را ذکر می‌کند) و یا مثلاً می‌گوید: بعضی چنین می‌گویند و بعضی چنان می‌گویند، واقعی چنین گفته است»^۴. و نیز می‌گوید: «فلان جنگ در فلان سال رخ داده است، اما واقعی می‌گوید: این جنگ در سالی دیگر یعنی سال فلان به وقوع پیوسته است»^۵.

(۳) تاریخ طبری (۴/۴۱۷)

(۴) تاریخ طبری (۴/۴۱۷)

(۵) تاریخ طبری (۷/۴۷۰)

بنابراین اگر پیرامون یک داستان روایت‌های متعددی وجود داشت، امام طبری معتقد بود برای ادای مسئولیت باید همه آن‌ها را ذکر کرد، به همین خاطر تمام تلاش خود را در جمع‌آوری روایت‌های مختلف در مورد آن موضوع به کار می‌بندد، و آن‌گاه که به روایتی طولانی می‌رسد گاهی برای اظهار نظر و بیان موضع خلاف، آن را قطع می‌کند. و هنگامی که از آن فارغ شد به متن روایت بازگشته و سخنی می‌گوید که بیانگر بازگشت وی به موضوع پیشین و از سر گرفتن مجدد آن است؛ مثلاً می‌گوید: «به موضوع و سخن پیشین باز می‌گردیم...»^۶

موضوعی که باید بدان توجه داشت این است که این شیوه تاریخ‌نگاری امام طبری سبب سردرگمی خواننده و درآمیخته شدن موضوعات نزد او شده و سبب می‌شود خواننده در بسیاری از موارد، موضوع اصلی را فراموش کند؛ زیرا این مانعی است در برابر یکپارچگی روایت آن حادثه تاریخی. و چه بسا مناسب‌تر بود که امام، روایت‌های مربوط به حادثه را یکی پس از دیگری

(۶) (نگا: ۴/۷۰)

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

به‌صورت کامل از آغاز تا پایان آن ذکر می‌نمود تا تصویر واقعه با توجه به جنبه‌های مختلف در ذهن خواننده نقش می‌بست، و به او کمک می‌کرد تا با ارزیابی دیدگاه‌های مختلف و سنجش آن‌ها با دیدی مثبت به موضوع بنگرد. امام طبری - رحمه الله - در ترتیب تاریخ خود، توالی رویدادها را در نظر گرفته، و حوادث را بر اساس وقوع در سالی پس از سال دیگر ذکر می‌کند؛ مثلاً از هجرت تا پایان سال ۲۰۲ ه‍.ق (۹۱۴ م)، و در هر سال حوادثی را که در آن رخ داده و شایان ذکر است بیان می‌کند.

حجم پرداختن امام طبری به سال‌ها بر اساس زیاد و کم بودن رویدادها و اهمیت اخبار و یا رسیدن اخبار به او متفاوت است، و بر این اساس حجم صفحات پرداخته شده به سال‌ها را کوتاه یا طولانی می‌کند، مثلاً در رابطه با بیان رویدادهای برخی سال‌ها به چند سطر اکتفا می‌کند (مثلاً سال ۲۵) و حوادث برخی از سال‌ها را در یک و یا دو صفحه بیان می‌کند، (برای نمونه سال‌های ۲۹ و ۴۸)، و در مقابل می‌بینیم که حوادث برخی سال‌ها را در بیش‌تر از صد صفحه بیان می‌کند، (برای نمونه سال‌های ۳۵ و ۳۶) و اگر حادثه‌ای

طولانی مدت باشد آن‌را به چند دسته تقسیم نموده و بر اساس سال‌هایی که حادثه در آن به وقوع پیوسته آن‌را بیان می‌کند.

اما روش امام طبری در نقل حوادث هر سال به یک منوال نیست؛ ایشان گاهی پس از بیان یک حادثه تاریخی به جزئیات آن پرداخته و روایت‌های مربوط به آن را بیان می‌کند.^۷ اما گاهی تعدادی از حوادث رخ داده در یک سال را بیان نموده و سپس به جزئیات آن‌ها می‌پردازد.^۸ و گاهی نیز در بیان حوادث به وقوع پیوسته در یک سال به چند سطر بسنده می‌کند.

ایشان همچنین در ذکر پایان هر سال، تعدادی از شخصیت‌های مشهوری که در آن سال از دنیا رفته‌اند را نام می‌برد، اما این روش در کتاب او معمول نیست، بلکه آنچه معمولاً امام در پایان هر سال ذکر می‌کند اسامی بکارگماردگان در ممالک اسلامی، یا امرای حج و یا هر دوی آن‌ها در آن سال است، و در سال‌هایی که نبردهایی به وقوع پیوسته، به ذکر اخبار و احوال مجاهدان

(۷) تاریخ طبری (۴/ ۴۴۲)

(۸) تاریخ طبری (۴/ ۳۱۷)

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

می‌پردازد، و همچنین به نبردهای زمستانی و تابستانی و قلعه‌ها و شهرهایی که مسلمانان در آن سال فتح نموده‌اند اشاره می‌کند.

در رابطه با اخباری که ارتباطی به زمان خاصی نداشته باشند، برای نمونه زندگی‌نامه‌ها، امام طبری -رحمه الله- زندگی هر خلیفه را پس از ذکروفات او بیان می‌کند، و پس از بیان توالی رویدادهای عصر وی، زندگی‌نامه او را بدون مقید شدن به سال وفات، خاتمه می‌بخشد.^۹

آنچه شایان ذکر است، است که امام طبری -رحمه الله- در کتابش به روش بیان توالی رویدادها بر اساس سال‌ها مقید نبوده، و در بیان پاره‌ای رخدادها به آن توجه نمی‌کند.

در بخش اول کتاب: از پیدایش آدم تا هجرت رسول الله -صلی الله علیه وسلم - امام طبری روش متفاوتی را در پرداختن به رویدادهای تاریخی در پیش گرفته و رویدادها را بر اساس توالی سال‌ها ذکر نمی‌کند، بلکه روش اکثر

(۹) تاریخ طبری (۸/۳۱۳)

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

تاریخ‌نگاران قدیم را پیروی می‌کند و به ذکر پیدایش خلق، سپس ذکر انبیاء و پس از آن، حوادثی که در روزگاران شان رخ داده و پادشاهانی که در عصرشان می‌زیسته‌اند و اخبارشان و همچنین امت‌های هم عصر با آنان و امت‌هایی که پس از آنان پا به عرصه ظهور نهادند تا ظهور اسلام و بعثت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌پردازند.

بسیار پیش می‌آید که امام طبری برای ثبت رویدادها ویا تشویق به ثبت آن، نصوص تاریخی برگرفته از نامه‌ها، خطبه‌ها، گفتگوها و به‌ویژه شعر را در تاریخش ذکر می‌کند، و نیز می‌کوشد نصوصی را که روایت می‌کند بدون هیچ‌گونه تغییری بیان کند، به همین سبب ما شاهد به جای ماندن بسیاری از واژه‌های غیر عربی در کتاب ایشان هستیم.^{۱۰}

روش امام طبری در ثبت مصادر: کم پیش می‌آید که امام طبری به‌هنگام نقل از کتابی، عنوان آن را ذکر کند؛ بلکه ایشان تنها به ذکر مؤلف کتاب بسنده نموده و برای مثال می‌گوید: واقدی چنین می‌گوید - ویا - ابومخنف چنان

(۱۰) برای نمونه، تاریخ طبری (۲/۶۲، ۵۴، ۵۱)

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

می‌گوید...^{۱۱} و هرگاه خود چیزی را به صورت شفاهی از کسی شنیده باشد می‌گوید: فلانی با من چنین گفت... و اگر کسی خبر را از شخص دیگری برای او نقل کرده باشد چنین می‌گوید: فلانی به من گفت که شنیدم فلانی و فلانی چنین می‌گفتند، سپس سند را به مصدر اصلی‌اش می‌رساند.^{۱۲}

گاهی اوقات امام در تاریخ خویش به اخبار روایت شده از طریق ارسال^{۱۳}، خبر معنی^{۱۴}، و یا خبری که لفظ صریح در آن نباشد تکیه می‌کند؛ مثلاً چنین می‌گوید: سری به من چنین نوشت که از شعیب و شعیب از سیف چنین نقل

(۱۱) برای نمونه، تاریخ طبری (۵/۱۰۵، ۱۲۵)

(۱۲) برای نمونه، تاریخ طبری (۴/۳۶۹)

(۱۳) مراد از ارسال نقل روایت از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- توسط تابعی و انداختن صحابه از سلسله سند است. (مترجم)

(۱۴) مراد از خبر معنعن خبری است که در سند آن آمده باشد از فلان از فلان.

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

می‌کند.^{۱۵} و بیشتر اوقات بر ذکر سند متصل حریص است مگر در برخی موارد که برای مثال می‌گوید: گفته شده، و از فلانی نقل شده.^{۱۶}

امام طبری -رحمه الله- در تاریخ خود برای بیان رویدادهای سال خاص، در آغاز ذکر همان سال عناوینی تحت یک عنوان عام قرار می‌دهد، برای مثال می‌گوید: «سپس سال ۳۵ فرارسید؛ ذکر اخبار و حوادث مشهور در این سال»^{۱۷}، اما در ذکر حوادث کوچک، تنها به چند سطر بسنده می‌کند، و برای مثال می‌گوید: «سپس فلان سال فرا رسید»، و سپس حوادثی که در آن سال رخ داده را ذکر می‌کند.^{۱۸}

پیرامون عدالت راویان: امام طبری -رحمه الله- خود را پایبند به قیدهایی که مستمسک اهل حدیث در برخورد با روایت‌های راویان ضعیف است

(۱۵) برای نمونه، تاریخ طبری (۲۶۲/۴)

(۱۶) برای نمونه، تاریخ طبری (۱۷۲/۵)

(۱۷) برای نمونه، تاریخ طبری (۲۵۸، ۲۵۰/۴)

(۱۸) برای نمونه، تاریخ طبری (۲۳۱/۵)

روشن‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

نمی‌داند، بنابراین در تاریخ خود روایت‌های کلبی و فرزندش هشام، و همچنین کسانی مانند واقدی، سیف بن عمر، ابومخنف و دیگر راویان متهم به دروغ‌گویی و جعل احادیث را ذکر می‌کند. علت آن هم این است که ایشان از روش خاصی پیروی می‌کند که بر علمای حدیث روشن و واضح است، و آن هم ذکر شنیده‌ها با ذکر سند، و ترک راستی‌آزمایی برای شنونده بر اساس ضوابط شرع و قواعد علم روایت و درایت است.

امام طبری - رحمه الله - غافل و بی‌خبر از صدها روایتی نبود که انسان‌های متروک و متهم به دروغ‌گویی نقل می‌کنند، بلکه ایشان از روشی آشنا و مرسوم نزد علمای جرح و تعدیل پیروی می‌کردند، و بر این باور بودند که ذکر روایت‌های انسان‌های متهم، و تدوین آن در کتابی، دلیل بر استدلال و احتجاج به آن نیست، برای نمونه گفته می‌شود: «حدیث فلان شخص روایت می‌شود اما به آن احتجاج نمی‌شود» و یا «حدیثش فقط برای اطلاع و آشنایی

نقل می‌شود» و یا «جائز نیست روایت از این اشخاص مگر در نزد آگاهان به علم روایت».^{۱۹}

در همین راستا، حافظ ابن حجر عسقلانی در بیان شرح حال امام طبرانی - رحمه الله - می‌گوید:

«دانشمندان حدیث در گذشته روایت‌های دروغین و ساختگی را با ذکر سند در کتاب‌های خود نقل می‌کردند؛ زیرا بر این باور بودند که چون روایت را با سندش ذکر کرده‌اند خود را تبرئه نموده و مسئولیت راستی‌آزمایی را به خواننده واگذار کرده‌اند تا با بررسی روایت از صحت یا ضعف آن اطمینان حاصل کند».^{۲۰}

و چون امام طبری - رحمه الله - محدث بود در کتاب خود از این روش پیروی می‌کند؛ لذا او صاحب اخبار و روایاتی که نقل می‌کند نیست، بلکه صاحب روایت همان ناقلانی هستند که امام طبری با ذکر نام آن‌ها مسئولیت را از

(۱۹) نگا: المیزان ذهبی (۳/ ۱۷، ۶۶۶)، و حاشیة الضعفاء والمتروکین دارقطنی ص ۲۵۳

(۲۰) لسان المیزان (۳/ ۷۵)

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

دوش خود انداخته است. و آن اشخاص هم در قدر و منزلت با یکدیگر متفاوت بوده و اخبارشان از ارزش یکسانی برخوردار نیستند، و در میان روایت‌هایشان، روایات صحیح، ضعیف و حتی روایت‌های دروغین وجود دارد که بر اساس صداقت و امانتداری راویان و یا دروغگو بودن آن‌ها در رابطه با این روایت‌ها قضاوت می‌شود. بنابراین لازم است سندها و متون روایات را بر اساس قواعد و اصول معتبر در نزد علما بررسی کرد تا به درجه آن از لحاظ صحت و ضعف پی برد.

بنابر این در یک پژوهش علمی، رفرنس دادن به تاریخ طبری و یا دیگر کتاب‌هایی که روایات را با ذکر سند ذکر می‌کنند، بدون بررسی سند روایت، اشتباه است؛ زیرا کسی که سند را ذکر می‌کند مسئولیت را از دوش خود برداشته است.

از نکات قابل ملاحظه در تاریخ طبری این است که ایشان از این روی به ذکر روایت‌های صحیح بسنده نمی‌کند که می‌خواهد خواننده از دیدگاه‌های متفاوت پیرامون موضوع آگاهی یابد، و گاهی اوقات اخباری را از منابع غیر

قابل اعتماد نقل می‌کند که اگر نیک بنگریم متوجه خواهیم شد که همین روایت‌ها به هنگام تعارض با روایت‌های دیگر چه بسا گره‌گشا بوده و نقص‌هایی که در روایات دیگر وجود دارد را جبران می‌کنند، و چون در اصل حادثه با روایت‌هایی که از منابع قابل اعتماد نقل می‌شوند اشتراک دارند تقویت می‌شوند.

امام طبری و سایر علمای برجسته و مورد اعتماد در موضوع ذکر روایت‌های ضعیف، همانند قاضی و داوری هستند که به‌هنگام قضاوت در رابطه با موضوعی تمام ادله و شواهد متعلق به آن را جمع‌آوری می‌کنند با اینکه نیک می‌دانند که بسیاری از این ادله و شواهد پوچ و غیر قابل اعتماد است، اما آن‌ها هر چیز را به اندازه خودش ارزیابی می‌کنند.

بنابراین، امام طبری به‌هیچ عنوان در ذکر اخبار کوتاهی نمی‌کند، اگرچه راوی خبر ضعیف و غیر قابل اعتماد باشد، چرا که ایشان بیم از آن داشتند که با عدم نقل روایت، دانسته‌ای و لوازی نواحی از بین برود، لذا هر خبر را با سند به روایت کننده‌اش نسبت می‌دهد تا خواننده با بررسی حال راویان از صحت یا

ضعف آن روایت اطمینان حاصل کند. ایشان بر این باور بود که با نقل روایت، مسئولیت خود را ادا نموده و آنچه به او رسیده است را پیش روی خواننده قرار داده است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - در رابطه با فوائد ذکر خبر واحد از طرق متعدد - اگرچه آن طرق ضعیف باشند - می‌گوید: «همانا تعدد طرق همراه با عدم اتفاق در عادت سبب آگاهی به مضمون منقول - یعنی قدر مشترک در اصل خبر- می‌شود، اما این مسئله در رابطه با آگاهی به حال ناقلان بسیار مفید است، یعنی می‌توان از گرایش‌های راویان و گروهی که احتمال می‌رود راوی نسبت به آن تعصب داشته باشد آگاهی یافت. مشابه آن می‌توان به روایت انسان‌های ناشناخته و بدحافظه و... اشاره کرد، که محدثان روایت‌هایشان را نقل نموده و می‌گفتند: این روایت‌ها برای شاهد گرفتن مفید است، و فایده دیگری ندارند، و امام احمد می‌گفت: حدیث یک راوی را می‌نویسم تنها برای اعتبار».^{۲۱}

(۲۱) مجموع الفتاوی ابن تیمیه (۳۵۲/۱۳)

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

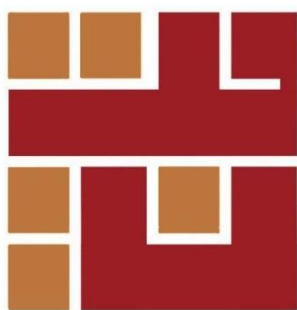
ذکر این نکته خالی از لطف نیست که سعه صدر ائمه اهل سنت مانند امام طبری - رحمه الله - در نقل روایت‌های مخالفان دلیل بر فهم و امانت‌داری آن‌ها و توجهشان به این بوده که خواننده از همه روایت‌های نقل شده در رابطه با حادثه آگاهی یابد، در حالی که نیک می‌دانستند که خواننده زیرک و آگاه درمی‌یابد که اشخاصی مانند ابومخنف و ابن کلبی در رابطه با موضوعات که به آن تعصب دارند در موضع اتهام هستند، و باید روایت‌هایشان را به دقت مورد بررسی قرار داد، تا اخبارشان را پالایش نموده و سره را از ناسره جدا ساخت.

اما کسانی که در نقل روایت‌ها از تاریخ طبری پیرو هوای نفس خود بوده، یا نسبت به روش تاریخ‌نگاری امام طبری نا آشنا هستند، و پیرامون ناقلان روایت‌های طبری تحقیق و بررسی نمی‌کنند و تنها به ذکر نام تاریخ طبری و شماره جلد و صفحه در حاشیه بسنده نموده و می‌پندارند که ادای مسئولیت کرده‌اند، در واقع با این کرده خود، در حق امام طبری - رحمه الله - ستم روا داشته و به ایشان اهانت می‌کنند؛ چرا که همان‌طور که پیش‌تر بیان شد امام

روش‌شناسی امام طبری در تاریخ‌نگاری |

طبری با ذکر منابع روایات و اخبار به وظیفه خود عمل نموده و مسئولیت بررسی مصادر روایت‌ها و اخبار برای پی بردن به صحت و سقم آن‌را به خوانند وا گذاشته است.

در پایان این نکته لازم به ذکر است که استفاده از این روش جز با آگاهی‌یابی از دانش جرح و تعدیل که به بررسی حال راویان می‌پردازد و شروط بهره‌گیری از روایت‌هایشان را بیان می‌کند، امکان‌پذیر نیست. کما اینکه باید معیارهایی که علما در نقد متن روایت‌ها در نظر گرفته‌اند، به‌ویژه در نظر داشت اوضاع عمومی جامعه اسلامی، و شرایط آن جوامع در ادوار تاریخ را مورد توجه قرار داد، و همه این‌ها از لوازم پرداختن به تاریخ است.



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies